جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ شماره ۶۵۷۷

هلاکت یک شرور در شرق کشور

باند بزرگ قاچاق موادمخدر متلاشی و یک شرور مسلح در مرزهای جنوب شرق کشور به هلاکت رسید. سردار رضا شجاعی، فرمانده مرزبانی استان سیستان و بلوچستان به سایت پلیس گفت: مرزبانان استان سیستان و بلوچستان با اشراف اطلاعاتی از فعالیت چند باند قاچاق موادمخدر در مناطق مرزی استان مطلع و انهدام این باند و کشف محموله موادمخدر در دستورکار مرزبانان قرار گرفت. قاچاقچیان که قصد داشتند در فرصتی مناسب محموله موادمخدر را به وسیله یک دستگاه خودرو وارد کشور کنند با توجه به حجم آتش سنگین ماموران مقاومت نکردند و مرزبانان موفق شدند ضمن هلاکت یک قاچاقچی و شرور مسلح تعدادی سلاح جنگی و ۶۰۰کیلوگرم انواع موادمخدر شامل تریاک و حشیش را کشف کنند.

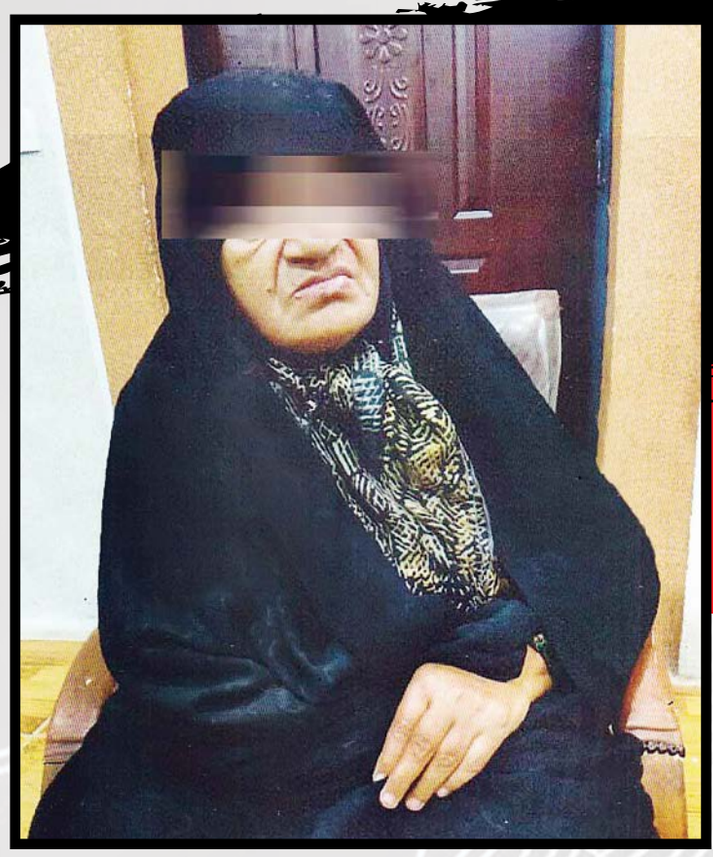
قتل درپی اختلاف خانوادگی

مردی که درپی اختلاف خانوادگی فردی را با شلیک گلوله کشته و گریخته بود بازداشت شد.

به گزارش دادگستری کل استان خوزستان، علی زلقی، دادستان عمومی و انقلاب مسجدسلیمان در این باره گفت: دوم شهریورامسال گزارشی مبنی بر اقدام به آتش زدن خانه یکی از شهروندان و قتل وی با اسلحه اعلام شد. تحقیقات در این باره آغاز شد تا این‌که رد مردی در این پرونده به دست آمد. او تحت تعقیب بود که دستگیر شد و اعتراف کرد که به دلیل اختلاف خانوادگی این مرد را با شلیک گلوله به قتل رسانده است.

گفت‌وگو با خانواده قربانیان و آشنایان قاتل سریالی مازندران

جزئیات جدید از جنایت‌های بیوه سیاه



لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

دو روز از افشای رازهای هولناک کلثوم، بیوه سیاه مازندرانی می‌گذرد. زن ۵۶ ساله‌ای که در مدت ۱۰ سال ۱۳ بار با مردان ۷۵ تا ۸۵ ساله ازدواج موقت کرد اما هفت نفر از آنان را در آرامش کامل و با استفاده از داروهای مختلف به قتل رساند. حالا با این‌که راز سر به مهر ۱۰ ساله او فاش شده، اما پلیس و دادگستری مازندران در این باره اطلاع‌رسانی دقیقی انجام نمی‌دهند و همین باعث شده تا اخبار و شایعات با قدرت بیشتری ادامه داشته باشد. در این میان خانواده قربانیان سعی دارند در مصاحبه با رسانه‌ها ابعاد جنایات کلثوم را برملا کنند.

اهالی محمودآباد و آنها که کم و بیش کلثوم را می‌شناسند، می‌گویند او اولین بار زمانی ازدواج کرد که سن و سال کمی داشت و پس از مدتی و به دلایلی نامعلوم از شوهرش جدا شد. او چند سال بعد دوباره با مرد دیگری به طور رسمی ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند دختر و پسر شد، اما همسر دومش فوت و کلثوم دوباره تنها شد. با مرگ دومین همسر، کلثوم تصمیم گرفت به شیوه‌ای جدید به زندگی خود ادامه دهد؛ روشی که البته او با استفاده از آن برخی از خانواده‌های مازندرانی را داغدارکرد. او مردانی را برای ازدواج موقت انتخاب می‌کرد که هم سن و سال بالایی داشتند و هم وضع مالی‌شان خوب بود. کلثوم وقتی وارد زندگی مردان موردنظرش که در شهرهای مختلف زندگی می‌کردند، می‌شد، خیلی طول نمی‌کشید که شوهران صیغه‌ای‌اش به دلایلی نامشخص ناگهان بیمار و بدحال شده و جان‌شان را از دست می‌دادند. بعد از مرگ آنها، کلثوم مهریه‌اش را که پول و طلا تعیین کرده بود از ورثه شوهران صیغه‌ای‌اش می‌گرفت و سراغ طعمه‌های بعدی می‌رفت. مردادماه امسال اما با هوشیاری فرزند آخرین شوهر صیغه‌ای‌اش، دست کلثوم به عنوان قاتل پدرش رو شد. با افشای جنایت، بسیاری از اهالی مازندران و به خصوص محمودآبادی‌هایی‌که او را می‌شناختند، در شوک عجیبی فرو رفتند.

آخرین شوهر صیغه‌ای کلثوم غلامرضا پیرمردی ۸۲ ساله بود که کمتر از یک ماه پیش با او ازدواج کرد اما با توطئه این زن جانش را از دست داد. یکی از اهالی روستای محل زندگی غلامرضا به خبرنگار جام جم می‌گوید:«حاج غلامرضا مردی سرحال و بشاش بود که وضع مالی خوبی هم داشت. ۸۲ ساله بود، اما مثل ۵۰-۴۰ ساله‌ها توانمند و سرپا بود. همسر اول او چند سال پیش به رحمت خدا رفت. حاجی قبل از محرم با این خانم ازدواج کرد و من همسرش را فقط یک بار دیدم. او رفتار بسیار خوبی با اهالی روستا و حاجی داشت و به مردم گفته بود که پسرش در ۱۷ سالگی فوت کرده است، اما در مجموع ارتباط قابل قبولی با مردم داشت. حاجی و همسرش با هم زندگی می‌کردند تا این‌که اذان صبح یکی از روزها کلثوم به در خانه یکی از همسایه‌ها رفته و به آنها گفته که هرچه حاجی را صدا می‌زنم تا بلند شود و نماز صبحش را بخواند، جواب نمی‌دهد. شما بیایید ببینید مشکلش چیست. مرد همسایه وقتی آمد و سراغ حاجی رفت با بدن کاملا یخ و سرد او روبه رو شد. انگار قاتل جانش را اوایل شب گرفته و بدنش سرد و یخ شده بود.»

یکی دیگر از اهالی این روستا هم کم و بیش حرف‌های همولایتی‌اش را تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد:« کلثوم به همه گفته بود فقط یک بار ازدواج رسمی کرده و با مستمری شوهر مرحومش زندگی‌اش را می‌گذراند. وقتی در مورد علت ازدواج صیغه‌ای از او پرسیده بودند، گفته بود برای این است که هم مستمری شوهرش قطع نشود و هم سربار دامادش نباشد. او رفتار خیلی خوبی با مردم و خانواده شوهرش داشت و حسی مادرانه و دلسوزانه به همه داشت. این زن خیلی خوب بلد بود نقش بازی کند. آن‌قدر خودش را مقید و اهل ایمان نشان می‌داد که هیچکس ذره‌ای به او شک نمی‌کرد که ممکن است زیر پوشش تقید، او فرد دیگری باشد. بعد از مرگ حاج آقا، کلثوم اصرار داشت مهریه ۵۰۰ میلیونی‌اش را بگیرد. از طرفی خانواده‌اش می‌دانستند او سالم بود و مشکلی نداشت و همین باعث شد تا به کلثوم شک کرده و از او شکایت کنند. حتی از جسد هم نمونه برداری کردند و مشخص شد داروی دیابت و فشار خون را داخل دوغ و ماست مخلوط کرده و به حاجی خورانده و سپس با حوله او را خفه کرده بود. بعد از مرگ حاج آقا، کلثوم پنج، شش ساعتی صبر کرد و بعد با خانواده شوهرش تماس گرفت و گفت او جان داده است.»

در جلسه خانواده قربانیان با سردار مفخمی چه گذشت؟

آن‌طور که اهالی به ما می‌گویند بعد از افشای این ماجرای هولناک، جلسه‌ای با حضور سردار مفخمی، فرمانده انتظامی استان مازندران تشکیل شد و برخی خانواده‌های مقتولان گفتند که کلثوم به تنهایی نمی‌تواند مرتکب هفت قتل شود و در این ماجرا به احتمال زیاد همدست یا همدستانی داشته است که به او در شناسایی مردان کهنسال ثروتمند و قتل آنها کمک می‌کرده است. عروس یکی از خانواده‌ها که در این جلسه حضور داشت به خبرنگار جام جم گفت:«در این جلسه فرمانده انتظامی استان درباره اعترافات کلثوم و روند کشف جرم توضیح داد. خانواده قربانیان هم در صحبت‌هایی ادعا کردند که کلثوم به تنهایی نمی‌توانسته این قتل‌ها را مرتکب شود و به احتمال زیاد همدستی داشته است. برخی خانواده‌ها هم از مردی گفتند که کلثوم را به خانواده‌ها معرفی کرده بود. سردار مفخمی در پایان این جلسه قول داد به دغدغه خانواده‌ها رسیدگی کند و تحقیقات را تا روشن شدن کامل ماجرا ادامه دهد.»

روش مشترک برای قتل سالمندان

این زن ادامه داد: «وقتی با خانواده دیگر قربانیان صحبت کردم متوجه شدم همه را به یک شیوه به قتل رسانده است. به همه گفته بود دو بار شوهر کرده یک بار عقدی که حاصل این ازدواج یک دختر و پسر بوده و یک بار موقت که هر دو شوهرش فوت کرده‌اند. درباره سرنوشت پسرش هم برای هر خانواده ماجرایی را تعریف کرده بود. به یک خانواده گفته بود بر اثر سرطان مرده و به دیگری که سکته قلبی کرده، به خانواده‌ای هم گفته بود هنگام ماهیگیری در دریا غرق شده است.»

عروس این قربانی در ادامه گفت: «به ما گفتند با رسانه‌ها مصاحبه نکنید اما شایعات درباره قربانیان زیاد است و کسی هم جواب نمی‌دهد. طوری گفته‌اند پیرمردهای پولدار که بعضی‌ها فکر می‌کنند افرادی با شاسی بلند و خانه‌های قصر مانند بوده‌اند که در خیابان با این خانم آشنا شده‌اند. قربانیان مردانی آبرومند بودند که از نظر مالی مشکلی نداشتند و فریب ظاهرسازی این زن را خوردند و فکر می‌کردند قرار است چراغ خانه‌شان باشد. این زن خیلی حرفه‌ای بود و طوری به پدرشوهرم می‌رسید که خیال‌مان راحت بود. پشت این قربان و صدقه رفتن او شیطانی مخفی شده بود که فقط به قتل و گرفتن مهریه فکر می‌کرد.»

نکته

۴۳ روز زندگی مشترک

پسر، یکی از قربانیان کلثوم هم گفت: چند ماه بعد از مرگ مادرمان، یک راننده کلثوم را به ما معرفی کرد. وقتی او را دیدیم طوری رفتار کرد که فریبش را خوردیم. می‌گفت برای این‌که حقوق مستمری شوهرش قطع نشود، باید عقد موقت باشند. ما هم قبول کردیم و بعد از ۴۳ روز پدرمان فوت کرد. با اعتراف‌های او متوجه شدیم ابتدا با قرص پدر ۸۴ ساله‌مان را بی‌حال و بعد با حوله خفه‌اش کرده است.

آن‌طور که پسر، یکی دیگر از قربانیان کلثوم گفته، پدرش هیچ مشکلی نداشت و از سوی دلالی این زن به آنها معرفی شد که فریب ظاهر مظلوم و آرام او را خوردند اما بعد از ۵۰ روز اسماعیل فوت شد. خانواده‌اش شکایت کردند اما چون به نبش قبر نیاز بود فرزندانش منصرف شدند. کلثوم بعد از کشتن این دو قربانی از فرزندان گنجعلی ۲۵۰ میلیون تومان و از فرزندان اسماعیل ۱۲ سکه طلا به عنوان مهریه گرفته بود. حاشیه‌های ناتمام بیوه سیاه مازندرانی تمامی ندارد و هر روز ابعاد تازه‌ای از هفت جنایت او آشکار می‌شود. تا جایی‌که حتی خانواده همسر دومش شک کرده‌اند که مبادا کلثوم واقعا او را کشته و به مرگ طبیعی نمرده باشد.

تلنگر

دستگیری زوج کلاهبردار

مرد ورشکسته که با همدستی همسرش به بهانه پرداخت وام بدون بهره و پیش‌خرید خودرو کلاهبرداری کرده و گریخته بودند با تیزهوشی یکی از مالباختگان دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل اردیبهشت امسال زن جوانی با حضور در شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، شکایت کرد برای تامین جهیزیه دخترش ۷۰ میلیون تومان در یک صندوق خانگی سرمایه‌گذاری کرده تا دو برابر آن، وام بدون سود بگیرد اما باگذشت دو ماه از این ماجرا زنی که با شوهرش این صندوق را اداره می‌کردند متواری شدند.

در ادامه زنان و مردان دیگری نیز نزد بازپرس پرونده آمده و شکایت کردند در دام یک زوج افتاده و به شیوه مشابه شاکی نخست مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند. جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که روزهای پایانی هفته گذشته زنی به پلیس آگاهی تهران آمد و گفت: در صندوق خانگی این زوج ۲۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کردم که وامی ندادند و متواری شدند. آنها حتی از دو عضو خانواده‌اش ۹۰۰ میلیون تومان به بهانه پیش خرید خودرو کلاهبرداری کردند. هفته قبل در اینستاگرام متوجه فعالیت یک شرکت بازرگانی شدم. با شماره درج شده در آن تماس گرفتم که زنی پاسخ داد که صدایش شبیه همان زن شیاد بود. روز بعد به دفتر شرکت در جنوب غرب تهران رفتم که دیدم او و شوهرش در این دفتر کلاهبرداری‌های خود را ادامه می‌دهند. ماموران به این شرکت رفتند و زوج فراری را بازداشت کردند. مینا و مهرداد به شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران منتقل شدند و در تحقیقات اعتراف کردند. مینا متهم پرونده در اظهاراتش گفت: شوهرم تاجر بود و شرایط زندگی‌مان خوب بود اما شریکش سر او کلاه گذاشت و متواری شد. برای پرداخت بدهی‌های شوهرم تصمیم به کلاهبرداری گرفته و به بهانه پرداخت وام کم‌بهره یا پیش‌فروش خودرو از افراد پول گرفته و بعد فرار می‌کردیم. آخرین بار با هویت جعلی یک شرکت کاغذی راه‌اندازی و دوباره همان جرایم را ادامه دادیم که با زیرکی یکی از شاکیان مخفیگاه‌مان لو رفت و دستگیر شدیم. این در حالی بود که شوهرش نیز به همدستی با وی اعتراف کرد. علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این زوج شیاد تحقیقات تکمیلی از آنها ادامه دارد.

شکست حکم قصاص مامور پلیس

مامور پلیس که به دلیل تیراندازی به راننده پژو به قصاص محکوم شده بود، با نقض حکم مجازاتش برای دومین بار محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از پاییز سال ۱۴۰۰ و با گزارش فوت مشکوک مرد جوانی به بازپرس جنایی آغاز شد. این مرد در حالی که تیری به کتفش اصابت کرده بود به بیمارستانی در غرب تهران منتقل شد و در آنجا بر اثر شدت خونریزی جان باخت.

در تحقیقات مقدماتی مشخص شد، این مرد در جریان تعقیب و گریز با پلیس مجروح شده بود. مامور کلانتری که به مرد جوان شلیک کرده بود، در تحقیقات گفت: « امروز همراه سربازی در خیابان موحد در غرب تهران بودیم که متوجه حرکت غیرعادی راننده پژو ۴۰۵ شده و به تعقیبش پرداختیم. ایست داده و تیرهوایی شلیک کردم اما راننده وارد اتوبان همت شد و خلاف جهت خودروها شروع به رانندگی کرد و من هشت گلوله برای متوقف کردن او شلیک کردم که یکی از گلوله‌ها کمانه و به کتف راننده اصابت کرد.

این در حالی بود که بررسی پرونده نشان داد، این مامور با درجه استوار یکمی شرایط ایست شبانه را نداشته و بر اساس نظر کارشناس اسلحه قانون بکارگیری سلاح را رعایت نکرده بود . به این ترتیب برای او به اتهام قتل عمدی کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان ارسال شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای دم برای مامور پلیس قصاص خواستند. در ادامه مامور پلیس در دفاع از خود گفت: راننده پژو با سرعت بالایی رانندگی می‌کرد و وقتی تعقیبش کردیم و او به اخطارها توجه نکرد مجبور به شلیک شدم. ابتدا تیر هوایی زدم و بعد به سمتش شلیک کردم که گلوله کمانه و به کتف او اصابت کرد.

قضات در پایان با توجه به درخواست اولیای دم و کارشناس اسلحه، مامور را مقصر تشخیص داده و حکم به قصاص او صادر کردند. با اعتراض متهم، پرونده به شعبه ۴۹ دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات این شعبه حکم را نقض کرده و به دادگاه بازگرداندند تا تحقیقات بیشتری درباره احتمال خصومت مامور پلیس و مقتول و همچنین نحوه تیراندازی انجام شود. در ادامه مامور پلیس برای دومین بار پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه اولیای دم دوباره برای مامور پلیس درخواست قصاص را مطرح کردند. مامور پلیس تهران هم در دفاع از خود گفت: « راننده پژو را نمی‌شناختم و با او خصومتی نداشتم. آن شب با سرعت بالا رانندگی می‌کرد و مانور می‌داد. همین باعث شد به او مشکوک شویم و تعقیبش کنیم. بعد وارد اتوبان همت شد و مجبور به شلیک شدم.»

رئیس دادگاه: چرا از خودروی بغل‌نویسی شده با چراغ گردان استفاده نکردید؟

متهم: ماشین چراغ ال ای دی داشت. چند بار به راننده اخطار دادم اما توجهی نکرد.

پس از دفاعیات متهم، قضات وارد شور شدند تا حکم پرونده را صادر کنند.

پیگیری

مرگ ۴ عضو یک خانواده در تصادف جاده سامرا



مجید غمخوار
گروه حوادث

چهار عضو یک خانواده در تصادف میان دو ون در مسیر کاظمین به سامرا جان باختند.

برای چندمین بار عازم سفر اربعین می‌شدند. با هم روستایی‌های خود قرار گذاشتند تا در کربلا همدیگر را ببینند. دو برادر و خانواده‌شان بار سفر را بستند و راهی کربلا شدند . چهارمین روز حضورشان در عراق بود که تصمیم گرفتند به سامرا و کاظمین بروند. سیدحسین، پسرش سیداحمد و همسرش به همراه برادرش سیدحسن و همسرش با یک ون راهی کاظمین شدند اما ساعت ۳۰ بامداد شنبه اتفاق هولناکی رخ داد و خودرو حامل آنها با یک ون دیگر برخورد کرد و فاجعه رقم خورد. در این تصادف هولناک ۱۹ نفر کشته شدند که ۱۲ نفر آنها ایرانی، یک نفر تبعه افغانستان و سه نفر عراقی بودند.

صبح شنبه که این خبر در میان اهالی روستای پیکان جرقویه اصفهان پیچید انگار در آسمان روستا گرد مرگ ریخته بودند. معلم سابق هنرستان روستا و خانواده‌اش و برادر او در تصادف مرگبار زائران ایرانی جانشان را از دست داده و اهالی روستا را سیاهپوش داغ آنها کرد.

در این تصادف سیدحسین واعظی، همسرش و پسر ۲۵ ساله‌اش و برادر آقا معلم جان باختند و عروس دیگر خانواده که به شدت مجروح شده بود، زنده ماند.

قاسم کیانی، پسر عمه دو برادر در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: مرحوم سیدحسین واعظی اهل روستای پیکان جرقویه اصفهان بود و در هنرستان جرقویه تدریس می‌کرد. او چند سال قبل برای ادامه زندگی به تهران رفت و آنجا کار معلمی را ادامه داد تا این‌که دو سال قبل بازنشسته شد. او عاشق امام حسین(ع) بود و در دهه محرم گاهی به روستا می‌آمد و در مراسم‌های عزاداری شرکت و کمک می‌کرد. احمد پسر آقای معلم نیز ۲۵ ساله و دانشجو بود. او خیلی پسر آرام و سر به زیری بود. پسر دایی دیگرم حسن هم چینی فروش بود و بعد از برادرش به تهران رفت.

وی در مورد حادثه گفت: حسین و برادرش ارادت زیادی به اهل بیت داشتند و عاشق امام حسین بودند. آنها در گذشته هم به کربلا رفته بودند. امسال هم قرار شد خانوادگی به زیارت بروند . شنبه شب ون حامل آنها در تصادفی هولناک واژگون شد.

کیانی با بیان این‌که بیش از ۸۰۰ نفر از اهالی روستای پیکان جرقویه امسال در مراسم اربعین شرکت کرده‌اند، گفت: بعد از حادثه‌ای که برای خانواده واعظی رخ داد تمام روستا در غم و اندوه هستند.





۳ نفر از قربانیان تصادف

نظمیه

کشف جسد پسر ۱۲ ساله در تابوت سیمانی

جسد پسر ۱۲ ساله‌ای که به قتل رسیده بود در میان بلوک‌های سیمانی در مزرعه ذرت کشف شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت دوازده ظهر یکشنبه دوازدهم شهریور امسال یکی از ماموران کلانتری یافت‌آباد در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد، جسد پسری در میان بلوک‌های سیمانی در مزرعه ذرت کشف شده است. در ادامه بازپرس جنایی همراه گروهی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل کشف جسد در اتوبان آزادگان رفتند. بررسی‌ها نشان داد که اطراف جسد را با بلوک سیمانی پوشانده بودند و بخشی از سر پسر ۱۲ ساله معلوم بود. با بررسی جسد مشخص شد، این پسر به قتل رسیده و حدود یک ماه از مرگش می‌گذرد.

مردی که جسد را یافته بود در تحقیقات گفت: در یک کارگاه نجاری در حوالی مزرعه ذرت کار می‌کنم. هنگام عبور از مزرعه با دیدن بخشی از سر یک انسان که از زیر بلوک‌های سیمانی بیرون زده بود، متوجه ماجرا شدم و با پلیس تماس گرفتم.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات برای شناسایی هویت این پسر ادامه دارد. شواهد نشان می‌دهد که او در مکان دیگری به قتل رسیده و عامل یا عاملان قتل جسدش را میان این بلوک سیمانی که شبیه تابوت بود قرار داده و آنجا رها کرده‌اند.

عدلیه

اعتراف به کشتن دختر ۴ ساله با مشروب



زن ۲۰ ساله که به بچه خواهرشوهرش مشروب دست‌ساز داده و باعث مرگش شده بود، تحت بازجویی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شبنم ۲۰ ساله بیست و یکم مرداد امسال به دختر چهارساله خواهر شوهرش که دچار درد معده شده بود، مشروب دست‌ساز خوراند و باعث مرگش شد. متهم دیروز برای تحقیقات به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: مادر النا با مردی تبعه افغانستان در مشهد ازدواج کرده و النا ثمره زندگی‌شان بود. النا بیماری مادرزادی قلبی داشت و معده‌اش هم مدام درد می‌کرد. دو روز قبل از حادثه مادرش برای گرفتن شناسنامه دوباره به مشهد سفر کرد. النا معده‌درد داشت که مشروب دست‌ساز را به او خوراندم اما ساعاتی بعد تشنج کرد. او را به بیمارستان بردیم و یک شب بالای سرش بودم که مادرش آمد و بعد از ۹ روز فوت شد. باور کنید او را مثل دختر خودم دوست داشتم، اشتباه کردم و ای کاش به او مشروب نمی‌خوراندم.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات از متهم ادامه دارد و قرار شده از والدین مقتول تحقیقات لازم انجام گیرد و پزشکی قانونی هم علت اصلی مرگ کودک را مشخص کند.